

دیوید هیوم

---

## گفت و گوهایی درباره دین طبیعی

(خوانشی دیگر)

---

ترجمه و تحقیق: رسول رسولی‌پور | سوده مهتاب‌پور



انتشارات حکمت

تهران، ۱۳۹۷

WWW.ATHAREBARTAR.COM

## فهرست

### بخش ۱. مقدمه‌ای تحلیلی بر شکل‌گیری اندیشه‌های هیوم درباره دین

۱۱	مقدمه
۱۳	۱. خاستگاه اندیشه‌های هیوم در سیر تاریخ فلسفه غرب
۴۵	۲. نگرش کلی هیوم به دین
۱۱۳	۳. اقوال مختلف در باب آرای هیوم درباره ایمان

### بخش ۲. ترجمه کتاب گفت و گوهای درباره دین طبیعی

۱۴۷	مقدمه: نامه پامفیلوس به هرمپیوس
۱۵۱	[درباره شکاکیت]
۱۶۵	۲. [نقد و بررسی نظریه مشابهت جهان با دستاوردهای انسانی]
۱۸۳	۳. [اثباتات نظریه دین طبیعی]
۱۹۱	۴. [درباره عقل بودن خدا]
۲۰۱	۵. [اشکالات نظریه انسان‌سازگاری خدا]
۲۰۹	۶. [نقد و بررسی نظریه مشابهت جهان با جسم بشری]
۲۱۷	۷. [نقد و بررسی نظریه عملکرد مکانیستی نظام طبیعت]
۲۲۵	۸. [بازبینی نهایی نظریات مطرح در باب جهان‌شناسی]
۲۳۳	۹. [نقد و بررسی برهان پیشینی در اثبات وجود خدا]
۲۳۹	۱۰. [درماندگی و بدیختی بشر به عنوان تنها پایه دین]
۲۵۵	۱۱. [سازگاری یا عدم سازگاری مسئله شر با وجود و صفات الهی]

۸ گفت و گوهای درباره دین طبیعی

۲۷۱	۱۲. [گفت و گوهای پیرامون دین و نحوه عملکرد و تأثیر آن در جامعه]
۲۹۱	یادداشت‌های مترجمان
۳۱۳	منابع مقدمه و یادداشت‌های مترجمان
۳۱۷	نمایه

## بخش ۱

مقدمه‌ای تحلیلی بر شکل‌گیری اندیشهٔ هیوم دربارهٔ دین

## مقدمه

گفت‌وگوهایی درباره دین طبیعی مجموعه بحث‌ها و جدل‌هایی در خصوص عقلاستی باور دینی است که هیوم در گفت‌وگویی میان سه شخصیت خیالی آن را به رشته تحریر درآورده است. این کتاب، هم بر حسب مفهوم و هم بر حسب سبک نگارش، به نوعی مهم‌ترین اثر وی به شمار می‌رود؛ چراکه او با چاپ نکردن آن فرصت پیدا کرد تا آن را به قله‌ای از کمال برساند و عبارات و بیانات تکمیل شده دینی و خداشناسانه‌اش را با مبانی و اصول فلسفی مورد نظر خویش تطبیق دهد. بنابراین از سویی، لُب عقاید هیوم درباره دین در این کتاب گرد آمده است و از سوی دیگر، برگزیدن سبک گفت‌وگو برای ابراز عقاید، اهمیت این واپسین اثر هیوم را در شناخت تفکر دینی او دو چندان ساخته، تا جایی که برخی معتقدند که فلسفه هیوم را همچون فلسفه کانت، می‌توان نقطه شروعی دانست برای تفکرات و گرایش‌های له و علیه خداواری در یک قرن و نیم بعد. سه شخصیت حاضر در بحث، نماینده سه دیدگاه بسیار متفاوت در خصوص معرفت ذات خداوندند؛ «دمتا» وابسته به متكلمان ارتدوکس است که عقایدی جزم‌گرایانه دارد؛ «کلنانتس» یک عقل‌گراست و «فیلو» شک‌گرایی فلسفی است. از رهگذار گفت‌وگویی که میان این سه شخصیت به تصویر کشیده شده و نیز با توجه به الهیات دینی رایج در دوران هیوم، به‌نظر می‌رسد نمی‌توان حکم الحاد وی را به سادگی صادر نمود و نظرات وی را مخرب دین

دانست. او دین خرافی را به مبارزه طلبیده است. گرچه ثمرة عقایدش در دوران معاصر برای دین و آموزه‌های دینی بسیار خطرنماک است، اما عکس العمل هیوم تنها در مقابل الهیات مسیحی بوده است. بنابراین، هیوم، آن‌گونه که تا پیش از این کتاب گفته شده، نه از روی جانبداری، کلثاتس است و نه بنا به بی‌انصافی، فیلو. اگر با دیده‌ای بینا در سراسر آثار او خود او را جویا شویم، خواهیم یافت که گفت و گوها آینه تمام‌نمای دغدغه‌های دینی هیوم است. او همواره پس از تتفرش نسبت به دینی که در آن بزرگ شد، نه آن‌چنان خود را از باور دینی بی‌نیاز دید که به‌کلی از دین و ایمان روی گرداندو نه مبانی و پایه‌های باورهای دینی را چندان محکم و استوار یافت که به دین و ایمان پاییند باشد. گرچه شاید چون به‌راستی فهم و درکی از ایمان و وحی نداشت، هیچ‌گاه مقصود خود از آنها را روشن نکرد و می‌خواست این اصطلاحات هم‌چنان در نظر او متعالی و مقدس بماند. چنانچه در پایان گفت و گوها و نیز در اغلب نوشته‌هایش، تنها چاره بشر برای رهایی از جهل را تمسک به «ایمان حقیقی» معرفی می‌کند. این خوانش نواز رویکرد هیوم به دین، در طول پژوهش، با شماری از فیلسوفان بزرگ، از جمله آلتوین پلاتیننگا، ریچارد سوین برن و ساموئل نیولندز طرح و مورد تأیید قرار گرفته است.

کتاب حاضر، با پژوهشی در قالب پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه که در سال ۱۳۸۹ دفاع شد، آغاز شده و در ادامه، افزون بر ارائه ترجمه فارسی روانی از گفت و گوهایی درباره دین طبیعی، دغدغه‌های دینی هیوم را ببررسی تاریخی و تحلیلی، به روایتی نو و به تفصیل، در اختیار گذاشته است. در بخش نخست کتاب، ابتدا به بررسی خاستگاه اندیشه هیوم در تاریخ فلسفه غرب می‌پردازیم و سپس نظرات او را در کتاب گفت و گوهایی درباره دین طبیعی در سه سطح: ۱) نگاهی اجمالی به شخصیت‌های حاضر در گفت و گو؛ ۲) تفصیل در مورد آرای مطرح از جانب هر یک از گفت و گوکنندگان؛ و ۳) شخصیت و اندیشه‌های حقیقی هیوم از رهگذر عقاید مطرح در گفت و گوها بررسی می‌کنیم.

## ۱

## خاستگاه اندیشه‌های هیوم در سیر تاریخ فلسفه غرب

بی‌تر دید فلسفه یک خط سیر تفکر است و باید همچون خط، سیر آن را از هر دو سو پی‌بگیریم و هرگز به دید پاره خط بدان ننگریم. به عبارت دیگر، فلسفه یک جریان است. جریان را باید پیوسته دید، نمی‌توان در خلال جریان نفوذ کرد و یا اندیشه‌ای را از آن حذف نمود. هر نوع فکر ولو ناچیز و حتی افکار خرافی و خنده‌آور، سیر جریان را این‌گونه رقم می‌زند که هست. پس اگر قرار است از اندیشه‌فیلسفی سخن بگوییم باید او را در آینه خط و جریان ببینیم. باید قبل و بعد او را نظاره کنیم.

کانت موافق نبود با آنان که می‌گفتند: «سخنی نتوان گفت که پیشینان نگفته باشند و به راستی این اعتقاد را چونان یک پیشگویی تخلف‌ناپذیر در حق هر آنچه در آینده نیز به ظهور خواهد رسید اظهار می‌کنند»<sup>۱</sup> اما اذعان داشت که او را سخن فیلسفی دیگر از خواب بیدار کرده و پژوهش‌هایش را به جهت دیگری روانه ساخته است. می‌دانست که مبنای کار او، تأمل شخصی دیگر است که او به بسط آن پرداخته است. نه تنها تأمل دیگری،

۱. ایمانول کانت، تمہیدات، ترجمه غلامعلی حداد عادل، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۴، چاپ سوم)، ص ۸۳.

بلکه تأملات دیگران. این است که می‌گوییم فلسفه یک خط سیر است، یک جریان است. در این میان، اگر اندیشهٔ فیلسوفی در اثنای رخدادهای معتبرابهی پا به عرصهٔ وجود گذارده باشد، رخدادهایی همچون رنسانس، انقلاب صنعتی و یا جنگ‌های جهانی اول و دوم که تأثیرات جهان‌شمول آن غیرقابل انکار است، جست‌وجوی ریشهٔ عقاید او اهمیتی دوچندان می‌یابد. یکی از این فلاسفه که در قرونی بس مهم در تاریخ بشریت می‌زیست، دیوید هیوم، فیلسوف اسکاتلندی بود. هیوم صرف نظر از عقبهٔ تاریخی خویش، متفکری مؤثر در پی‌ریزی شالودهٔ اندیشه دوران حاضر غرب است. نگاه متفاوت او به جهان بود که دید فیلسوفان بزرگ دیگری همچون کانت را به‌گونه‌ای شکل داد که مبنایی شد برای اصول فلسفی معاصر دنیای غرب.

در یونان باستان که آغاز اندیشه - دست‌کم آغاز اندیشهٔ فلسفی مکتب - به آن دوران منسوب است، تفکر، فارغ از هرگونهٔ وابستگی، دل‌مشغول موضوعات و مسائل ناب فلسفی و اساسی زندگی بشری بود و لذا آرای متعدد و بی‌سابقه‌ای طرح می‌شدند که بعضاً حتی با هم متناقض بودند. عده‌ای در آن دوران، عدم امکان معرفت را - که خود معرفتی است - به عنوان رأی خویش برگزیدند. طرح بکر و خام بسیاری از اندیشه‌ها در آن عصر ریخته شد و دوران‌های بعدی تفکر در حقیقت، تلاشی در جهت بسط این اندیشه‌ها و پیوند آنها با سایر مسائل مورد توجه بشر بود.

پس از سپری شدن عهد قدیم، دوران قرون وسطی فرا رسید که وسعتی بسیار از سقوط امپراتوری روم تا ظهور رنسانس دارد. در این دوران، فلسفه در غرب، دیگر به عنوان اندیشه‌ای آزاد، در جست‌وجوی حقیقت نبود بلکه با مسلم انگاشته شدن حقیقت در تفکر بشریت، فلسفه در حصار مدعی این حقیقت، یعنی دین، محبوس شد و به صرف ابزاری در خدمت آن درآمد تا آنجا که تقریباً تمامی فلسفهٔ معتبر این دوره در غرب، علمای دین و کشیش‌های مسیحی هستند. بنابراین، در این عصر، تحولی جدید آغاز شد که تقویت جنبه‌های

نظری، قانونی و معنوی حیات کلیسای مسیحی در کانون توجه آن قرار گرفت.<sup>۱</sup> متفکران قرون وسطی در غرب، مؤمنانی بودند که در باب ایمان و اعتقادات خود به تأمل پرداختند و نظام‌های نظری سازمان یافته را که با استدلال‌های فلسفی همراه بود به وجود آوردن. این اندیشمندان با کمک گرفتن از نظام‌های فلسفی یونان - به خصوص آرای ارسطو - و از نیمة دوم قرن دوازدهم با استفاده از آرای فلسفه مسلمان، کوشیدند مسیحیت را معقول و مستدل نمایند و در مقابلِ منتقدان غیرمسیحی از آن دفاع کنند.<sup>۲</sup> بنابراین، در این دوران دو موضوع اساسی در کانون مباحث الهیاتی قرار گرفت که اولی نیاز به نظام‌مند ساختن و بسط الهیات مسیحی و دیگری، نیاز به اثبات عقلانیت ذاتی آن نظام بود.<sup>۳</sup>

گرچه در قرون وسطی تحولاتی اساسی در الهیات شکل گرفت اما هدف اصلی همواره اثبات برتری و حقانیت مسیحیت به روایت کلیسای کاتولیک نسبت به هر نوع اندیشه‌ای اعم از دینی و غیردینی بود. از اواسط قرن سیزدهم میلادی با وجود سلطه بلا منازع کلیسای کاتولیک بر فرهنگ و سیاست، و نیز حاکمیت کلام مدرسي بر دانشگاه‌ها، می‌توان زمزمه‌های شکل‌گیری قالبی جدید برای اندیشه را شنید. هرچند تا اواخر قرون وسطی به‌سبب قدرت سیاسی نیروهای سنتی کلیسایی، نواندیشان توان برابری با آنان را نداشتند. حتی از اواسط قرن چهاردهم میلادی، نیروی سیاسی کلیسا به‌شدت افزایش یافت و مقامات کلیسایی به‌طور مستقیم در دانشگاه‌ها دخالت کرده و تعلیم آرایی را که مورد پسند ایشان نبود، ممنوع اعلام کردند و مخالفان را به محکومیت‌های شدید و عده دادند.<sup>۴</sup> بدین ترتیب، کلیسا نقش مهم و روزافزونی در جامعه پیدا کرد.

1. Alister E. McGrath, *Christian Theology: An Introduction*, (Blackwell, 5th ed., 2011), p. 27.

۲. محمد ایلخانی، تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس، (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها: سمت، ۱۳۸۲)، ص. ۴.

3. McGrath, p. 27, 38.

۴. ایلخانی، پیشین، ص. ۵۴۶.

اما از آنجا که الهیات مدرسی<sup>۱</sup> که نیروی فکری عمده در قرون وسطی بود، تأثیر و نفوذ خاصی در ایتالیا نداشت، در طول قرن چهاردهم، نوعی خلا فکری در ایتالیا پدید آمده بود. از سوی دیگر، ایتالیا آکنده از بقایای محسوسی از عظمت تاریخ باستان بود. به نظر می‌رسد این آثار، جرقه‌هایی برای توجه به تمدن روم باستان و بازخوانی نشاط فرهنگی کلاسیک روم ایجاد کرد<sup>۲</sup> و این امور منجر به پیدایش جریانی به نام «اومنیسم»<sup>۳</sup> شد. این جریان بر ارزش‌های انسانی در مقابل تحقیر انسان و جهان توسط راهبان مسیحی قرون وسطی تأکید می‌کرد. اومنیست‌ها به جای جهانی که ثمرة گناه انسان بود و می‌بایست با زهد و دوری از آن و هرچه متعلق به آن است نجات می‌یافتد، جهانی زیبا و سازمان یافته، و به جای جزم‌گرایی<sup>۴</sup> کلیساًی، تساهل، و به جای جزم‌گرایی فلسفی مدرسی، عقل‌گرایی<sup>۵</sup> همراه با ادبیات، هنر و اخلاق را به بشر غربی عرضه کردند. در این قرن، توجه به ادبیات کلاسیک رومی و بزرگانی همچون سیسرون،<sup>۶</sup> سنکا،<sup>۷</sup> ویرژیل<sup>۸</sup> و هوراس<sup>۹</sup> چشمگیر بود. عشق به ادبیات و هنر را در رساله‌های کلامی این دوره به خوبی می‌توان مشاهده کرد. لذا عقل در این دوره مانند عقل در قرن سیزدهم میلادی، فقط

1. scholastic

2. McGrath, p. 29.

3. humanism

4. dogmatism

5. rationalism

6. Marcus Tullius Ciceron: مارکوس تولیوس سیسرون خطیب، سیاستمدار و نویسنده رومی.

7. Lusius Annaeus Seneca: لوسیوس سنکا، فیلسوف رواقی، سیاستمدار و نمایشنامه‌نویس رومی.

8. Publius Virgilius Maro: پولیوس ویرجیلیوس مارو، شاعر کلاسیک روم و نویسنده ترانه‌های روستایی.

9. Quintus Horatius Flaccus: کوینتوس هوراسیوس فلاکس، از شاعران سرشناس رومی.